

## بحث بر سر اولویت‌هاست

به دلیل کمبود بودجه ماه‌ها به طول می‌انجامد. آن‌ها می‌دانند که تنها اگر شهردار منطقه لطف کند و تعدادی از نیمکت‌های شهرداری را در اختیار دانشکده قرار دهد تا جایگزین نیمکت‌های شکسته حیاط شوند، در وضعیت رفاهی دانشکده تغییری حاصل خواهد شد. اما در صورتی که لطف شهردار شامل حال دانشجویان نشود، ماه‌ها نامه‌نگاری بی نتیجه می‌ماند و در نهایت هم دانشکده‌ی علوم اجتماعی می‌ماند و نیمکت‌های شکسته‌اش.

اما آن‌ها که بیش‌تر در این فضای درویشانه زیسته‌اند، نمی‌توانند خاطرات روزهایی که دانشکده صحنه اصلاحات ارضی (!) بود را فراموش کنند. این همان تناقضی است که دانشجویان قدیمی‌تر با آن درگیرند. ماه‌ها ساخت و ساز در بخش ریاست دانشکده آن هم در ایام سال تحصیلی که در نهایت منجر به گسترش حوزه‌ی ریاست و ایجاد اتاق کنفرانس شد، قطعاً هزینه‌های سنگینی برای دانشکده

قوانین جدید مبنی بر لغو تردد ۲۴ ساعته، افزایش هزینه‌ی مهمان از ۳ هزار تومان به ۵ هزار تومان و افزایش اجاره‌بهای سکونت دانشجویان سنواتی به ۵۰۰ هزار تومان، موجب اعتراض دانشجویان ساکن کوی دانشگاه شد. خیر تحصن ۱۸ بهمن توسط ارتباط بینافردی به دانشجویان منتقل شد و قرار شد دانشجویان در ساعت هشت شب میدان اصلی کوی باشند. معترضان در ابتدا حدود ۶۰-۵۰ نفر بودند، اما رفته رفته جمعیت بیش‌تر شد و تعداد بالغ بر ۳۰۰ نفر در محل جمع شدند. رئیس کوی برای صحبت با دانشجویان آمد و طبق صحبت‌هایش قانون لغو تردد ۲۴ ساعته برداشته شد اما سایر قوانین جدید تغییری نکردند. سپس به‌نژاد معاون دانشجویی دانشگاه برای صحبت به میدان اصلی آمد اما او نه‌تنها نتوانست دانشجویان را قانع کند بلکه به خاطر نوع ایستادنشان هنگام صحبت با دانشجویان (دست در جیب) موجب اعتراض و ناراضی‌تی دانشجویان شد. سپس دانشجویان

داشته است. نمی‌توان فلسفه‌ی چنین پروژه‌هایی را در دانشکده‌ای که تنها یک میلیون تومان بودجه به مسئولان کتابخانه برای خرید کتاب‌های مورد نیاز در نمایشگاه کتاب می‌دهد، درک کرد.

کمبود بودجه یک مسئله کشوری است و مختص دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران نیست. ساخت قدیمی دانشکده هم گاه‌گاه برای مسئولان خرج‌های کلان می‌تراشد. اما این‌جا بحث نه بر سر بودجه، بلکه بر سر اولویت‌ها است. اگر بودجه‌ی هر دانشکده، در حکم سرنوشت محتوم آن است که باید به آن تن داد و راهی برای افزایش آن وجود ندارد، دستکم می‌توان درباره‌ی هزینه‌ها صحبت کرد. می‌توان مشخص کرد که اولویت‌های دانشکده در حال حاضر چیست یا چه باید باشد. یکی از طرف‌های این گفت‌وگو هم بدون شک باید دانشجویان باشند. دانشجویانی که هرچند به گمان برخی اساتید نظراتشان محلی از اعراب ندارد، اما به دلیل برخوردی که از نزدیک با کمبودهای دانشکده دارند می‌توانند در مشخص کردن اولویت‌های هزینه‌ای دیدگاه‌های مفید و مؤثری داشته باشند. از آن‌جا که این کمبود بودجه مسئله‌ای است که

## کاغذ اخبار

«گزارش تحصن در کوی دانشگاه»

علی رسولزاده

به سمت خوابگاه‌ها حرکت کردند، این اعتراض از تجمع مقابل خوابگاه مصلی‌نژاد با شعار «دانشجویی باغیرت حمایت حمایت» و «هزینه‌ی اضافی ملغی باید گردد» آغاز و رفته‌رفته به تعداد دانشجویان معترض افزوده شد. با بیش‌تر شدن جمعیت شعارهای دیگری چون «آموزش رایگان حق مسلم ماست» از سوی معترضان شنیده می‌شد. دانشجویان معترض از ساختمان ۲۲ (محل سکونت دانشجویان دکتری) به سمت میدان آمدند و همان جا ایستادند. معاون مالی-اداری کوی به میدان اصلی آمد و با دانشجویان معترض صحبت کرد. سپس دکتر خضری نماینده‌ی تام‌الأختیار رئیس دانشگاه به محل تجمع دانشجویان آمد. تحصن حدود ساعت ۱۲

همه‌ی بخش‌های دانشکده تحت تأثیر آن قرار دارند، «ویرگول» می‌خواهد به ابعاد گوناگون آن بپردازد و گفت‌وگویی درباره‌ی این موضوع شکل دهد؛ به این امید که در نتیجه‌ی آن مسئولان و دانشجویان نسبت به دیدگاه‌های یکدیگر شناخت پیدا کنند و تصمیماتی که از این پس در این رابطه گرفته می‌شود حاصل آرای طرفین باشد.

در شماره‌های آتی بیش‌تر به این موضوع می‌پردازیم. در این شماره هم ضمن طرح بحث، مصاحبه‌ای با دکتر صادقی، معاون پیشین فرهنگی- دانشجویی دانشکده در زمان تصدی ایشان در معاونت مذکور انجام داده‌ایم که در بخش‌هایی از آن به موضوعات مالی دانشکده و همین‌طور اولویت‌های هزینه‌ای دانشکده اشاراتی شده است.

باشد که بحث‌هایی که از این به بعد در «ویرگول» شکل می‌گیرد، سرآغاز راهی باشد که در انتهای آن، مسئولان در اولین دیدار خود با دانشجویان جدیدالورود، با افتخار بگویند «کمبود بودجه یک مسئله کشوری است، اما ما در دانشکده به خوبی آن را مدیریت کرده‌ایم.»

شب تمام شد و دانشجویان به اتاق‌هایشان بازگشتند. معاون مالی-اداری تعهد داد که هزینه‌های اضافی که از دانشجویان گرفته شده به آن‌ها باز گردانده شود. ولی دکتر خضری صحبتی در این باره نداشت و فقط از دانشجویان خواست تا مطالباتشان را بگویند و ایشان یادداشت کنند. بعد از آن به دانشجویان تریبون داده شد که حدود ۱۰، ۱۵ نفر از دانشجویان به بیان مطالبات پرداختند. فهرست مطالبات:

- رفع قطعی اینترنت و افزایش سرعت
- بازگشت قیمت اجاره بها به میزان قبل
- کاهش هزینه‌ی مهمان از ۵ هزار تومان به ۳ هزار تومان (قیمت قبلی)
- بازگشت اجاره بهای دانشجویان سنواتی به قیمت قبلی
- امکان تردد ۲۴ ساعته
- کارکنان کوی حق ورود بدون اجازه به اتاق‌ها را نداشته باشند.

➔ کمبود بودجه و پلاکاردهایی که به عناوین مختلف در دانشکده نصب می‌شوند!



# ویرگول

رفیق سردبیر

## بحث بر سر اولویت‌هاست

«کمبود بودجه یک مسئله کشوری است» این جمله‌ای است که دکتر نوربخش، رئیس دانشکده در سخنرانی‌شان در برنامه‌ی آئین ورودی سال ۹۳ و خطاب به دانشجویان جدیدالورود گفتند.

هم جمله و هم مکان و زمان بیان آن بسیار تأمل برانگیز است. از قدیم گفته‌اند «جنگ اول، به از صلح آخر». رئیس محترم دانشکده هم گویی قصد داشتند گربه را همان اول دم حجله بکشند و حجت را بر همه کسانی که تازه وارد دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران شده‌اند تمام کنند و به مخاطبان‌شان بگویند که این دانشکده مشکل کمبود بودجه دارد؛ پس بهتر است سقفی برای رویاهایتان که احتمالاً قرار است از محل بودجه‌ی دانشکده هزینه‌هایش تأمین شود در نظر بگیرید! اما کسانی که چند سال بیش‌تر در فضای دانشکده‌ی علوم اجتماعی زیسته‌اند، با شنیدن این جمله دچار یک تناقض می‌شوند.

معنای این جمله را، دانشجویان قدیمی‌تر این دانشکده به خوبی می‌فهمند. کافی است نام برخی کتاب‌ها را در موتور جست‌وجوی کتابخانه زده باشید. یا اگر حوصله‌ی کلنجار رفتن با سیستم بسیار ناکارآمد کتابخانه‌ی دانشگاه تهران را ندارید، به درون مخزن کتابخانه رفته و جست‌وجویی کرده باشید. بعد از چند وقت قطعاً به فقر منابع پی‌خواهید برد. یا اگر تاکنون برایتان پیش آمده که در ایام امتحانات بخواهید در سالن مطالعه‌ی کتابخانه درس بخوانید، می‌دانید که این بخش تنها تا ساعت ۱۹:۳۰ در ایام امتحانات باز است و علت این محدودیت ساعت هم، کمبود بودجه است. اگر احياناً عضو تشکل‌ها و انجمن‌های دانشکده هم باشید، دیگر این جمله را با گوشت و پوست خود احساس کرده‌اید. انجمن‌های علمی از عدم دریافت بودجه برای برگزاری برنامه‌های خود گله دارند. اعضای شورای صنفی می‌دانند که دانشکده تا حدی با کمبود بودجه روبه‌رو است که حتی نمی‌تواند تعدادی از خدمه‌ی دانشکده را در روزهای تعطیل به دانشکده بکشد تا کمدهای دانشکده را تخلیه و تمیز کنند و پروسه‌ای تا این حد ساده، باز هم

ادامه در صفحه ی چهارم

شماره هشتم/ بهمن ۱۳۹۳

صاحب امتیاز: شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

مدیرمسئول: فرهاد قربان زاده

سردبیر: آرمیتا رضانی

صفحه آرا: فرزاد نیک آیین/ صبورا سمنانیان

## دانشکده‌ای در خلأ

حانیه طاهری

برای این وظیفه‌ی مذکور است. فقدان این خصلت در دانشکده‌ی علوم اجتماعی اگر چه متأثر از علل متعددی است، اما نبود امکاناتی که ساختمان به خلأ رفته‌ی دانشکده علوم اجتماعی را با بستر جامعه پیوند دهد، علت قابل تأملی است. در دانشکده‌ای که رسالتش مطالعه‌ی مسئله‌ی امروز جامعه است، از بر کردن کتاب‌های کتابخانه مهم است، اما آنگاه که در خدمت فهم اخبار امروز جامعه باشد. پس چطور می‌توان به غنی شدن کتابخانه‌ی علوم اجتماعی پرداخت و لیست کتب کلاسیک دو قرن پیش را کامل کرد، در حالی که در قفسه‌ی روزنامه‌ی کتابخانه، تنها یک روزنامه (روزنامه‌ی دولتی ایران) دیده می‌شود؟ وجود روزنامه و شانس مطالعه‌ی آن در دانشکده، شاید اولین قدمی باشد که دانشجو را از خلوت کور علمی‌اش بیرون بکشد، چشمش را به اتفاق روزانه‌ی جامعه باز کند و به او فرصت شخم زدن معلوماتش را بدهد تا آموخته‌هایش را به خدمت تحلیل واقعیات بگیرد.

پیش از این، خود دانشجویان خواستار پیگیری دانشکده برای دریافت نشریات و روزنامه‌ها شده بودند که نتیجه‌ای به همراه نداشت. تا این‌که برخی از دانشجویان فرصت نمایشگاه مطبوعات اخیر را غنیمت شمردند و موفق شدند خودشان با برخی از روزنامه‌ها و نشریات تخصصی برای دریافت رایگان شماره جدیدشان ارتباط بگیرند. علاوه بر این، آرشینو نشریات کتابخانه که مانند گنجینه‌ی مهجوری تقریباً بلااستفاده و غیر قابل دسترس است، به همراه نشریاتی که برای دانشکده ارسال خواهند شد، می‌توانند ضامن تحقق ایده‌ی «اتاق نشریات» باشد که مدت‌هاست مطرح شده است. ریاست محترم دانشکده جناب دکتر نوربخش نیز پیش‌تر نظرات مثبت خود را درباره‌ی این ایده اعلام کرده‌اند. علاوه بر این، ایشان در سال گذشته وعده‌ی ساخت «لابی» مجهری را در قسمت خرابه‌ای که کمدهای آهنی در آن قراردارد، داده بودند تا محل بحث و گفت‌وگوهای علمی و تعاملات فکری باشد.

واقعیت آن است که دانشکده‌ی علوم اجتماعی برای دست یافتن به خصلتی که از آن سخن گفته شد و خروج از رکود و ناکارآمدی کنونی‌اش، نیازمند چنین امکانات و فضایی است، تا اولاً فرصت خروج از پیله‌ی کتابخوانی‌های تک‌نفره را برای تفکر گروهی و فعال ایجاد کند و ثانیاً این تفکر و اندیشه را از گوشه‌ی کتابخانه و روی چمن‌های حیاط پشت دانشکده، به خیابان شهر و جهان واقع سرایت بدهد.

سردر بلند دانشکده‌ای که نام «علوم اجتماعی» بر آن نوشته‌اند، در ذهن هر عابری که از کنار آن بگذرد، پیش از هر چیز این تصوّر را ایجاد خواهد کرد که آن سوی این سردر، به اجتماع و مسائل آن پرداخته می‌شود. هرچند مقصود، معتبر شمردن تصوّر عابر خارج از گودی که چشمش به سردر دانشکده می‌خورد نیست، اما از میان عالمان علوم اجتماعی و محبتان این ساحت هم بعید به نظر می‌رسد کسی منکر این باشد که علوم اجتماعی، با تمام دم‌دوستانه آکادمیک و قوای نظری‌اش، نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد مگر این‌که در تماس و ارتباط تنگاتنگ با اجتماع خود باشد. با این همه، تجربه‌ی حضور در این طرف سردر علوم اجتماعی، خیلی زود نشان می‌دهد که دانشکده‌ی علوم اجتماعی، با «اجتماع» -موضوع محتومی که مدعی شناخت آن است- قطع ارتباط کرده و در فضایی خلأگونه زیست می‌کند.

نظر به نشریات دانشکده، که جدی‌ترین خروجی فکری دانشجویان است، شاهد عینی این معضل است. به طور کلی این نشریات، در صورت تعهد به حفظ اصول علمی، به نقش منفعل و محتاط یک مترجم، تلخیص‌گر، و نهایتاً شارح دست و پا شکسته‌ای درمی‌آیند که مدام گرد دایره‌ی نظریات و آرای بزرگان می‌چرخند، بی آن‌که بدانند و یا بخواهند که بدانند این دور باطل به چه کار امروز و این‌جای ما می‌آید؟ لذا نشریات دانشکده به بهانه‌ی برجسب علمی که روی جلدشان خورده است، از نزول به عالم واقع وحشت دارند و محتاط و آرام، در جایگاه فرازمینی بحث‌های فضایی‌شان باقی می‌مانند. از طرفی، بر فرض این‌که جسارت طرح مسائل جامعه و روزمره‌شان را داشته باشند، از بهره‌گیری از روش‌های علمی و چهارچوب‌های نظری ناتوان می‌شوند؛ موضوع اجتماعی مورد نظر را نه با تحلیل‌های تخصصی رشته خود، بلکه با غرض‌ورزی‌های سیاسی، رویکردهای شخصی یا کلیشه‌های عوامانه پیش برده و به بحث‌های غیرعلمی مبتلا می‌شوند. از این روست که بحث‌ها، محتویات نشریات، حلقه‌ها و عموم جریانات این دانشکده یا از زیر بار زمینهمندشدن شانه خالی می‌کنند یا به محض ورود به مختصات زمانی و مکانی اجتماع حاضر، ماهیت علمی خود را از دست می‌دهند!

در ساحت علوم اجتماعی، دانشجو اگر چه اولاً ملزم به کتابخوانی و شاگردی کردن پای درس استاد است، اما نهایتاً موظف به نظر انداختن به متن جامعه‌ی خویش، و به خدمت گرفتن آن الزام اولی،

■ دقیقاً از چه زمانی سمت معاونت دانشجویی- فرهنگی دانشکده به شما واگذار شد، چه مدت در این سمت بودید و در نهایت چرا کنار رفتید؟

تقریباً از آبان ماه سال ۹۲ بود که مسئولیت امور دانشجویی و فرهنگی دانشکده راپذیرفتم و تا آخر شهریور ۹۳ در این حوزه مشغول به خدمت بودم. این‌که چرا کنار رفتم به نوعی به مسئولیت جدیدی در وزارت علوم، مؤسسه‌ی مطالعات جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، برمی‌گشت که به من واگذار شده‌بود. همان‌طور که می‌دانید با توجه به بحث‌های جمعیتی و اهمیتی که این روزها در کشور پیدا کرده‌اند، احساس کردم که آن‌جا می‌توان کمکی کرد که نفع ملی داشته باشد. این بود که درخواست استعفا از معاونت دانشجویی و فرهنگی دادم، دکتر نوربخش، رئیس دانشکده، با درخواستم موافق نبودند. این پروسه تقریباً یکی دو ماهی طول کشید تا بالاخره دکتر نوربخش قبول کردند و خوشبختانه نفری هم که جایگزین من شد، آقای دکتر اعتمادی فرد، بسیار فعال و نزدیک به بدنه‌ی دانشجویی و همچنین داری خلاقیت‌های بسیاری است. من شخصاً با ایشان صحبت کردم. یک سری دلایل هست که افراد از کارهای اجرایی گریزان هستند. این‌گونه فعالیت‌ها هم وقت‌گیرند و هم ممکن است به دلایل گوناگون شما آن طور که باید و شاید نتوانید وظایفتان را به خوبی انجام دهید. به هر حال ایشان قبول کردند و

در طی این مدت نیز خیلی بهتر از گذشته معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشکده فعالیت می‌کند.

■ پس یعنی مخالفتی از درون گروه‌های درون دانشکده نبود که باعث کنار رفتن شما بشود؟

نه نه! به هیچ وجه مخالفتی نبود. خود دکتر نوربخش هم اصلاً تمایلی به رفتن من نداشتند. همه‌ی تشکل‌های دانشجویی و انجمن‌ها و حوزه‌ی ریاست دانشکده خیلی به من لطف داشتند و هیچ فشاری برای کنار رفتن من نبود. آقای دکتر نوربخش هم به شرطی موافقت کردند که من کمک کنم و در شورای فرهنگی هم فعالیت داشته باشم. بنابراین الان در دانشکده در کنار وظایف آموزشی و پژوهشی، درگیر مسائل فرهنگی دانشکده به عنوان عضوی از شورا هستم.

■ معمولاً با کنار رفتن یک مسئول و جایگزین شدن

## برگرد

## در آمدهای دانشکده در درجه‌ی اول صرف مسائل آموزشی می‌شوند



در آذر ماه امسال، وبرگول مصاحبه‌ای کرد با دکتر رسول صادقی که به دلیل برنامه‌ی «هم‌اندیشی دانشجویان و اساتید» و حواشی آن، تا این‌شماره مجالی برای چاپ آن دست نداد. طبق گفته خود دکتر صادقی، ایشان در دوران گذار و آغاز پویایی دوباره‌ی تشکل‌ها مسئولیت عهده‌دار بودند و پس از آن هم به دلیل عضویتشان در شورای فرهنگی دانشکده، از نزدیک در جریان امور فرهنگی بوده‌اند. مخالفت شورای فرهنگی با تأسیس چندین کانون و همین‌طور شنیدن شایعاتی مبنی بر علل برکناری دکتر صادقی از مقام

برخی وسایل ورزشی موردنیاز است. بیش‌تر زمان استفاده از سالن را هم ما به دانشجویان دختر اختصاص دادیم. چون پسرها می‌توانند از محوطه‌ی دانشکده هم استفاده کنند. با این وجود، هنوز استقبال قابل توجهی از طرف دانشجویان از سالن وجود ندارد. فکر می‌کنم هم تشکل‌ها و هم خود شورای صنفی به این قضیه بپردازند و دنبال کنند. این یکی از جاهایی است که من فکر می‌کنم نیاز به کار دارد. در حوزه‌ی ورزش حمایت‌هایی از شرکت در مسابقات ورزشی انجام شد و خوشبختانه بچه‌های دانشکده مقام‌های خیلی خوبی کسب کردند.

■ یعنی الان امکان استفاده برای همه دانشجویها وجود دارد؟
بله در روی در سالن برنامه‌ای نصب شده که در آن تا ساعت ۱۵ مشخص شده است که استفاده دانشجویی است. بین ساعات ۱۵ تا ۱۶ استفاده کارمندی است و ۱۶ به بعد اساتید در سالن حضور دارند. هدف دیگر من این بود که مشارکت دانشجویان در امور دانشکده بالا باشد. یکی از جاهایی که حس کردم در دانشکده قیلاً بوده و بعدها به دلایلی بسته شده است، شورای صنفی- رفاهی بود.

هم دانشجویان از من درخواست داشتند و هم من خودم به عنوان اولین برنامه‌ای که در دست اجرا داشتم، راه‌اندازی مجدد شورای صنفی – رفاهی بود. پروسه‌ای که طی شد مقداری پیچیده بود. اما به حمدالله با توجه به اعتمادی که داشتند، هم خود رئیس دانشکده

حمایت کردند وهم دانشگاه. من هم چندین بار رفتم صحبت کردم تا در نهایت شورای صنفی مجدداً راه‌اندازی شد. انتخاباتش هم برگزار شد و استقبال خوبی هم از طرف دانشجویها شد و با رأی قابل توجهی تعدادی از دانشجویان به عنوان نماینده در شورای صنفی برگزیده شدند. هدف این بود که مشارکت دانشجویان در امور صنفی و رفاهی بالا برود و درخواست‌هایی که دانشجویان دارند

در بخش امور ورزشی ما واقعاً مشکل داشتیم و هیچ مکان خاصی که دانشجویان بتوانند فعالیت کنند نداشتیم. یک سری نامه‌نگاری‌ها از قبل توسط خانم دکتر نهاوندی شروع شده بود. مکانی نیز در دانشکده برای سالن تاحدودی آماده شده بود. من که شروع به فعالیت کردم، به طور جدی این قضیه را دنبال کردم وخوشبختانه توانستیم با کم‌ترین هزینه‌ای که خود توانستیم با کم‌ترین هزینه‌ای که خود داشتیم مستقیماً متحمل بشود، سالن ورزشی را در اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ افتتاح کنیم، با یک سری وسایل ورزشی که هرچند محدودند. شاید یکی از کارهایی که باقی مانده تهیه

■ چرا؟

فضایی که شورای صنفی قیلاً داشته، بعد از تعطیل‌شدن طبق مصوبه دانشکده در اختیار یکی از تشکل‌ها قرار گرفته بود و این مکان تبدیل به کتابخانه بسیج شده‌بود.

دبیران شورای صنفی و بسیج دانشجویی بنا به درخواست بنده با هم مذاکره کردند که بتوانند به نتیجه‌ای در مورد تخلیه‌ی اتاق برسند، اما به نتیجه نرسیدند. بالاخره یکی از اتاق‌ها که به‌صورت پارتیشن در نیم طبقه‌ی اول در اختیار بسیج دانشجویی بود، تخلیه شد و در اختیار شوری صنفی قرار گرفت. بعد از روی کار آمدن شورای صنفی فعالیت‌های ارزشمندی توسط این تشکل صورت گرفته است.

یکی از کارهایی که دنبال کردیم و ناتمام باقی ماند تشکیل مکانی برای گالری نشریات و فعالیت‌های دانشجویی در فضای پاسیوهای دانشکده بود. در این زمینه خود آقای دکتر نوربخش با

چندین جا خارج از دانشکده صحبت کردند به یک سری نتایجی هم رسیدند که متأسفانه تعدادی از مسئولین خارج از دانشکده عوض شدند و کار راکد ماند. من فکر می‌کنم آقای دکتر اعتمادی فرد می‌توانند این کار را پیگیری کنند.

خود آقای دکتر نوربخش هم مجدداً دنبال کنند و من هم اگر بتوانم کمک می‌کنم. این مکان چون سقفی می‌خواهد که سر و صدا به کلاس‌ها منتقل نشود، با برآوردی که انجام شد، بودجه‌ای حدود ۵۰ تا ۶۰ میلیون تومان نیاز دارد. بسیج دانشجویی هم در طراحی اولیه کمک شایانی داشتند. ما فقط ۱۰ میلیون تومان توانستیم بودجه تهیه کنیم. بقیه‌اش درحال انجام بود که با توجه به تغییراتی که

در سازمان‌های بیرون انجام شد، به ویژه شهرداری منطقه، درخواست ما متوقف ماند. به نظرم کار خیلی ارزشمندی است که آن جا فضایی بشود برای صحبت دانشجویان با هم و فضایی برای کرسی‌های آزاد اندیشی. این هم یکی از کارهایی بود که دنبالش بودم تا مرحله‌ای هم پیش رفت. حتی قولش را در یک جلسه عمومی به دانشجویها هم دادم ولی متأسفانه تا الان نتوانستیم انجام بدهیم.

■ این ده میلیون هنوز هست؟

بله هست و قرار شد اگر این پروژه انجام نشد، برای فعالیت های دانشجویی- فرهنگی دانشکده هزینه بشود. منتهی تا آخر سال این بودجه هست. اما چون تا آخر سال صورت حساب هر دانشکده باید داده بشود، باید این بودجه هزینه بشود؛ احتمالاً به عنوان حمایت از فعالیت‌های دانشجویی فرهنگی. البته ما هم تحت همین عنوان

## برگرد

گرفتم.

■ دانشکده کلاً خیلی مشکل کمبود بودجه دارد.

مشکل مالی که همه جا دارند ولی نیازهای دانشکده خیلی زیاد است. دانشکده ساخت قدیمی دارد و این ساخت قدیمی باعث مشکلات زیرساختی و افزایش نیازهایش می‌شود. برخی مسائل و مشکلات مانند اتاق شورای دانشکده و آسانسور حل شده است.

سالن شورای دانشکده خیلی محدود و کوچک بود. آقای دکتر نوربخش در تابستان گذشته شخصاً خیلی زحمت کشیدند و توانستند از بیرون هم بودجه‌ای جذب کنند و سالن خوبی تجهیز نمایند. برای تالار و سالن هم اگه سمینار از بیرون باشد، هزینه‌ی محدودی دانشکده می‌گیرد.

■ یعنی به نحوی درآمذزایی برای دانشکده دارد؟

بله! هرچند درآمذزایی‌هایش خیلی زیاد نیست. اما در همان حد محدودش هم برای دانشکده‌ای که درآمد ندارد، خوب است. مثلاً دانشکده‌ی تربیت بدنی از سالن‌های مختلفی که دارد، سالی بیش از یک میلیارد تومان درآمدکسب می‌کند. به نظرم اگر بتوانند سالن این‌خلدون را تعمیرات اساسی بکنند، یکی از بهترین سالن‌ها است و بعد از یکی دوسال می‌تواند هزینه‌ی خودش را دربیابورد. خود دانشکده‌ها باید بخشی از هزینه‌هایشان را تأمین کنند. این باعث شده که دانشکده‌های مختلف دوره‌های مختف آموزشی بگذارندکه در دانشکده‌ی ما خوشبختانه این قضیه دنبال نشده است.

■ ولی پارسال یک بار دانشکده را به قلم‌چی اجاره داده بودند و مانع ورود دانشجویها به کتابخانه در ایام امتحانات شده‌بودند.

بله! یک سری ناهماهنگی‌هایی صورت گرفته بود. چند تا سالن را اجاره داده بودند. این اجاره مصادف شده بود با یکی از برنامه‌هایی که خود دانشکده در سالن ابن‌خلدون داشت. این بود که صبح که دانش‌آموزها آمدند، تالار بسته بود. هدایت شده بودند به کتابخانه. یک چیزی حدود یکی دو ساعت معطل بودند و سر آزمون بودند و نمی‌شد

جابه‌جاشون کرد اما خوشبختانه برطرف شد. البته من هم موافقم زمان مناسبی نبود برای اجاره‌ی سالن‌ها، چون ایام امتحانات بود.

■ این هماهنگی از طرف چه کسی انجام شده بود؟

از طرف بخش اداری و مالی دانشکده بود و من هم درجریان نبودم و بچه‌ها به من زنگ زدند و آمدم و تاحدودی مشکل برطرف شد. منتهی برای

ایامی مثل تابستان و عید می‌شود دانشکده را اجاره داد. برای ایام دیگر هم تالارها می‌شود ولی کلاس‌ها نه. البته در درجه‌ی اول از درآمد حاصله در خصوص نیازهای آموزشی دانشکده هزینه می‌شود سپس نیازهای فرهنگی دانشکده. برای مثال یادم هست پس از اجاره‌ی سالن به قلم‌چی از درآمد حاصله سه تا پروژکتور برای کلاس‌ها خریداری شد.

■ الان نصب شده‌اند؟

بله اکثر کلاس‌ها و سالن‌های دانشکده پروژکتور دارند. شما در خیلی از دانشکده‌ها این را نمی‌بینید؛ مثلاً پروژکتور را با خودشان می‌برند سر کلاس که مقداری زمان‌بر است. دانشکده در این زمینه رشد قابل توجهی داشته است. درکل هر درآمدی که برای دانشکده به دست می‌آید، عمدتاً در درجه‌ی اول صرف نیازهای آموزشی خود دانشکده می‌شود.

■ اگر قرار است درآمدها در درجه‌ی اول برای نیازهای آموزشی تخصیص داده بشوند، همین اتاق کنفرانس هزینه‌ی خیلی زیادی بود که به دانشکده تحمیل شد. در شرایطی که شاید جز اولویت های دانشکده نبود؛ یعنی درحالی که سیستم تهویه‌ی دانشکده خراب است و یا خیلی از مشکلات دیگر جایز نبوده است.

این دو قضیه هم زمان جلو رفت. یعنی تالار نیاز بود، تعداد اساتید دانشکده زیاد بود. تالار برای شورایی که آن جا برگزار می‌شد اصلاً مناسب نبود و خیلی‌ها درخواستشان این بود که همچنین تالاری تأسیس بشود.

یکی دیگر از نیازهای دانشکده سیستم تهویه بود که هم‌زمان جلو رفت. یخش عمده‌ی هزینه‌ی تالار گفت‌وگو با پیگیری‌های ریاست دانشکده از خارج از دانشکده تأمین شد. برای سیستم تهویه هم خوشبختانه مبلغی را به عنوان هزینه‌ی عمرانی دریافت کردند.

اما با این رقم دریافتی فقط می‌توانستند سیستم تهویه را تعمیر کنند. کارفرما آوردند و به این نتیجه رسیدند که کل سیستم تهویه باید عوض شود و رقم بالایی مورد نیاز بود. تا آن‌جا که اطلاع دارم یکی از کارهایی که در اولویت است و دنبال می‌شود همین است. آسانسور هم مشکل داشت که بخشی از رقم دریافتی در این خصوص هزینه شد و آسانسوری دیگر هم راه اندازی شد.

■ اشاره‌ای که شما کردید به ایجاد فضای پویا در دانشکده، خیلی از دانشجویها هم می‌توانند در ایجاد این فضا نقش داشته باشند، مثلاً از طریق کانون‌های دانشجویی مثل

کانون موسیقی، کانون تئاتر، نقش این‌ها را شما چگونه می‌بینید؟

الان دانشکده تشکل‌ها و انجمن‌های مختلفی دارد و شورای صنفی هم فعال شده است. بله ما در حوزه‌ی علمی و اجتماعی- سیاسی کانون داریم اما در حوزه‌ی فرهنگی با خلأ مواجهیم. دوره‌ای که من بودم چند بار درخواست برای تشکیل کانون فیلم و عکاسی دانشگاه این‌ها را در باشگاه دانشجویان متمرکز کرده و به‌صورت حرفه‌ای کار می‌کنند. البته مقرر شد هر نوع فعالیت فرهنگی در دانشکده مانند تئاتر، نمایشنامه‌خوانی و … زیر نظر امور فرهنگی دانشکده اجرا شود.

یکی از دلایل مخالفت با این کانون‌ها محدودیت فضا بود. به نظر من بهتر است بجای تشکیل چندین کانون مانند عکاسی، تئاتر و … ، یک کانون تحت عنوان کانون هنری- فرهنگی تشکیل بشود و همه این‌ها ذیل این کانون فعالیت کنند. شما اگربه کانون موسیقی مجوز بدهی، کنارش کانون عکاسی می‌آید. این یک فضا و آن هم یک فضا می‌خواهد.

■ یعنی تنها مشکل الان مشکل فضا است؟

بله تنها مشکل، مشکل فضاست. به طور کلی، دو تا کانون در دانشکده خلأشان احساس می‌شود، یکی کانون هنری فرهنگی و دیگری کانون فارغ‌التحصیلان. فکر می‌کنم این دو تا کانون جزء نیازهایی است که باید به آن‌ها پرداخته شود. کانون‌های فرهنگی هنری اگر در یک قالب بیایند جلو، می‌شود یک فضا در نظر گرفت و کانون فارغ‌التحصیلان هم جز نیازهایی است که باید داشته باشیم. این کانون جشن‌های فارغ‌التحصیلی برگزار می‌کند و ارتباط فارغ‌التحصیلان را با دانشکده حفظ می‌کند که خود می‌تواند در بسیاری مواقع به دانشکده کمک کند.

■ در پایان از وقتی که در اختیار ما گذاشتید سپاسگزارم.

من هم خیلی ممنون و متشکرم از شما. در این‌جا لازم می‌دانم که به این نکته اذعان کنم که یکی از نعمات گهربار دوران کوتاه مسئولیت بنده، همدلی، همفکری و همکاری دانشجویان عزیز، تشکل‌ها، انجمن‌های علمی دانشجویی و شورای صنفی با مسئولین دانشکده بود. تجربه‌ی این دوران نشان داد که حسن اعتماد به دانشجویان، می‌تواند به درکی متقابل منجر شود که نه تنها مشکلی در روابط و فعالیت‌های دانشکده ایجاد نخواهد کرد، بلکه به ایجاد فضائی سالم و با نشاط برای پیشرفت‌های علمی و اجتماعی دانشکده کمک خواهد نمود.